

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد بدین بوم و بر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر عبدالحنان روستایی
۲۷ دسمبر ۲۰۰۸

تاریخ متجاوزین و ایادی آنها را به شکست و شرمساری محکوم می کند

درست ۲۹ سال قبل از امروز بود که بیشتر از ۱۲۰ هزار نفر از چکمه پوشان و ستوران روس با ساز و برگ نظامی عظیم و ماشین گولپیکر و هولناک جنگی، خلاف همه موازین قبول شده بین المللی و حقوق بین الدول و ضوابط همسایگی، آهنگ خاک پاک ما کردند. منظور از این تجاوز وحشیانه، علاوه بر اهداف اقتصادی و نظامی، نجات دولت دست نشانده روسی در کابل از خشم مردم و شکستادن عزم راسخ آزادیخواهی و اراده قوی آزاد منشی افغانها بود. پیشینه این تجاوز عریان وابستگی غلیظ حکومت سابق افغانستان، بالخاصه وابستگی حکومت مستبد سردار داوود از اتحاد شوروی سابق بود. این وابستگی که با کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ که به کمک بالفعل روسها صورت گرفت، قوام بیشتر و توسعه فراوان یافت و دست و پای روسها را در تمام شؤون نظامی، اجتماعی و اقتصادی مملکت باز تر نمود. چنانکه اولین کابینه این سردار دیوانه از یک تعداد خلقی ها و پرچی ها مانند فیض محمد، جیلانی باختری و غیره و عناصر لومین و ولگرد مانند قدیر نورستانی، حیدر رسولی و غلامان دربار ترکیب یافته بود، که در یک مانور نظامی آن سردار جاه طلب را سر نگون کردند. در نتیجه مزدوران حلقه بگوش و نوکران زرخرید روسی که بسیاری آنها مانند حسن شرق در دامن داوود کودن پرورش یافته بودند، به کرسی قدرت نزول اجلال فرمودند و مملکت را به گرداب نیستی و جنگ سوق داده و برای نجات خود پای نظامیان روسی را به میهن ما کشانیدند. با وجود آنکه نظامیان روسی که تا دندان مسلح بودند و مدرنترین سلاح عصر را در اختیار داشتند، ولی در کارزار مبارزه یک بار دگر ثابت شد که این اراده انسان آزادیخواه و پیکار جوست، که سرنوشت جنگ را تعیین می کند و نه سلاح مدرن استعمار. افغانها برای کسب آزادی میهن با قبول ویرانی خانه و کاشانه خود و مهاجرت های جانگداز و نثار خون های فراوان در ازای آزادی کشور در محراب آزاد منشی آخرین سپاهی متجاوز روسی را به تاریخ ۱۵ فبروری ۱۹۸۹ از سرزمین پاک خود بیرون ریختانده و بار دگر ثابت کردند که **"تجاوز همیشه به شکست محکوم است"**. این شکست چنان دامنه دار بود که آن امپراتوری تزاری را از اساس فرو ریخت.

ارتش متجاوز روس طی ده سال تمام به قتل های عام هولناک دسته جمعی و بمباران دایمی قراء و قصبات مملکت پرداخته، سیاست زمین سوخته را تطبیق کرده و هزاران هزار انسان آزاده این سرزمین را راهی زندانهای مخوف و قتلگاه ها کرد. قلم از شرح جنایات همه جانبه ارتش روس و دولت دست نشانده اش که شریک این همه جنایات بود و برای ایجاد فضای خوف و رعب از هیچ وسیله ای دریغ نکردند، عار دارد. کافیسیت یاد آوری گردد که در افغانستان تا حال بیش از ۷۰ گور دسته جمعی پیدا شده که در آن اجساد آزادیخواهان افغانستان توسط روس ها و نوکران آنها به جرم وطنخواهی با مرمی سوراخ سوراخ گردیده و در زیر خاک شده اند. این جنگ تجاوزی در افغانستان به همه داشته های اجتماعی و اقتصادی میهن ما آسیب فراوان رسانده و تلفات و خسارات عظیمی را موجب گردید. مدهشترین ضربات این جنگ همانا تلفات انسانی آنست، چه، صد ها هزار انسان کشته شده و صد ها هزار معیوب ازین جنگ بر جا مانده، ملیونها انسان به بیرون افغانستان و ملیونهای دیگر به داخل افغانستان مهاجر شده اند. با در نظر داشت اینکه خون ناحق یک انسان را جهان پرداخته نمیتواند، تلفات انسانی جنگ افغانستان خیلی ها سنگین و

هولناک است. بر اثر این جنگ مجموع چرخ های اقتصادی افغانستان از حرکت بازمانده، ساختار های زراعتی و سیستم های آبیاری نابود شده و شیرازه امور اقتصادی و اجتماعی کشور از اساس فرو ریخت. علاوه بر این گنجینه های فرهنگی کشور، بخصوص معارف کشور خسارات مهلکی دید. در یک کلام این جنگ تجاوزکارانه موجب بروز مشکلات اجتماعی فراوان شد. و اما در رابطه با جنگ مقاومت دو مسأله قابل یاد آوریست :

- اول : این که مقاومت رسمی یعنی اسلام سیاسی نتایج خونبار این جنگ ملی را دزدیده و حاصل خونهای ریخته را به دامن استعمار امریکا و روس و ایادی آنها بریخت که در نتیجه ملت مظلوم افغانستان که در کارزار نظامی پوز دشمن را به خاک ساییده و از جنگ میهنی سرفراز برآمده بود، در ساحة سیاسی بر اثر خیانت تنظیم های اسلامی نتوانست شاهد پیروزی را به آغوش بکشد.

- دوم : اینکه یک تعداد از افغانهای بی مقدار و دلیل که در یک حزب مزدور یعنی "حزب دیموکراتیک خلق افغانستان" تجمع کرده بودند، روی نعل و پنداران خود که توسط ارتش متجاوز روسی به شهادت می رسیدند، به رقص و پایکوبی پرداخته، آن همه جنایت را کمک انترناسیونالیستی خوانده و زیر نام کمک به دهقانان و کارگران پیوسته به قتل همین دو طبقه پرداخته با ظلم فراوان مملکت را از پا بر انداخته و آن را از مردان کاری خالی کردند.

جالب توجه است که عده ای دیگر از طرق دیگری به تقدیس تجاوز پرداخته مثلاً در نهاد های مختلف اقتصادی و فرهنگی دولت مزدور جا به جا شده با هزاران رشته با متجاوزین پیوند حاصل نموده و ضد منافع مردم افغانستان هر آنچه را در توان داشتند، فدای متجاوزین می کردند. این انسانهای بی مقدار که از شرارت متجاوزین آگاهی کامل داشتند، با چنین موقفی بر زخم های ملی که با داران شان بر پیکر مردم با تیرهای سم اندود زده اند، نمک می پاشیدند. اینها به سر دمداران خلقی پرچمی که مانند گرگ های دهن پر خون به قتل هزاران افغان پرداخته اند، جنایتهای بی شماری را مرتکب شده و فاجعه های فراوان آفریده و در ویرانی و بدبختی کشور سخت کوشیده بودند، تا دیروز ثنا می خواندند. لاکن امروز که متجاوزین از میهن بیرون ریختانده شده اند و آن دولت مزدور خلق و پرچم دگر وجود ندارد، این ایادی متجاوزین ناله و ضجه سر داده کاذبانه ادعاء دارند که از ناچاری بر شمشیر متجاوزین بوسه می زدند و اگر نه گویا آنها نیز طرفدار مردم و میهن و آزادی از بند استعمار بودند. ولی این ادعاء هیچ اساسی ندارد، زیرا این ها از یک جانب تا آخرین روزهای فرار ارتش متجاوز روس در کنار آنها بودند و تا سقوط حکومت نجیب در همان نهاد های فریب و نیرنگ باقی ماندند. از جانب دگر تا هنوز هم چشم طمع به کرم استعمار دوخته در انتظار جاه و منصب در اداره مستعمراتی کرزی اند. برای این انسانهای بی مقدار فرقی نمی کند که این سخا از جانب استعمار شرق باشد و یا استعمار غرب.

دریغا که افغانستان که طومار استعمار شرق را در هم پیچید، اکنون در بند استعمار غرب گیر افتیده و اینک ایادی استعمار شرق مانند گلاب زوی ها، علومی ها، رنجبر ها و غیره با ایادی استعمار غرب چون سیاف ها، اسماعیل ها، محقق ها و دیگران دست به دست همدیگر داده به تجاوز امریکا و ناتو آب تقدیس می پاشند و خیانت ملی بزرگ دیگری را مرتکب می شوند. پس روشن است که عاملان غننامه ملت سوگوار و به خون نشسته، که سالهاست در فاجعه سخت عمیق و دردناک میان هستی و نیستی دست و پا می زند و در مظلومانه ترین حالت بر ایشان جفا و شقاوت روا داشتند، همان خلقی ها و پرچمی ها و ایادی روس اند، که اوراق و اسباب جنایات شان را به احزاب جهادی یا عاملان اسلام سیاسی که در سازش با قدرت های جهانی و منطقه یی، قرار دارند، به ارث گذاشته اند. این جنایتکاران که دست شان تا مرفق به خون مردم بی گناه آغشته است، نمی توانند خود را غسل تعمید دهند. زیرا متجاوزین و ایادی آنها به شکست و شرمساری تاریخ محکوم اند و تاریخ در این قضاوت خود سخت بی رحم است. (پایان)